

یادآوری به الهام؛ وقتی حیدر علی اف برای اداره باکو از ایران کمک می‌خواست

بازخوانی تاریخ به ویژه در رابطه با دوران حیات حیدر علی اف، رئیس جمهور فقید جمهوری آذربایجان، نشان می‌دهد که سر پا ماندن باکو در روزهای نخست استقلال و ادامه حیات آن مدیون کمک‌های ایران بوده است



به گزارش آران نیوز به نقل از پارسینه، بازخوانی تاریخ به خوبی نشان می‌دهد که حیدر علی اف برای اداره نخجوان و جمهوری آذربایجان به کمک‌های ایران وابسته بوده و حتی از هاشمی رفسنجانی خواسته بود که ایران حضورش در سرزمین‌های شمال ارس را بیشتر کند و در اداره باکو نقش داشته باشد.

از زمان جنگ ۲۰۲۰ قره باغ که با پیروزی جمهوری آذربایجان برابر ارمنستان همراه بود، الهام علیف و دیگر مقامات باکو روز به روز شدت حملات لفظی و اظهارات تحریک‌آمیز خود علیه ایران افزودند و علاوه بر آن با نزدیکی بیشتر به اسرائیل و برگزاری رزمایش‌های مشترک با ترکیه در نزدیکی مرزهای ایران، خشم تهران را برانگیختند.

ادعای باکو در ماه‌های اخیر این بوده است که ایران در جنگ از ارمنستان هواداری کرده یا قصد دخالت در امور داخلی جمهوری آذربایجان را داشته است. آن‌ها گاه و بیگاه پا را از این هم فراتر گذاشته و با تحریف آشکار تاریخ، ادعاهایی علیه تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ایران ابراز کردند.

این ادعاها در حالی مطرح می‌شود که بازخوانی تاریخ به ویژه در رابطه با دوران حیات حیدر علی اف، رئیس جمهور فقید جمهوری آذربایجان، نشان می‌دهد که سر پا ماندن باکو در روزهای نخست استقلال و ادامه حیات آن مدیون کمک‌های ایران بوده است و پدر الهام علی اف حتی به این میزان هم راضی نبود، بلکه خواهان مداخله مستقیم ایران در اداره باکو و مقابله با ارمنستان بوده است. پرداختن به این موضوع احتمالاً برای الهام علی اف ناخوشایند و دردناک است، اما شاید یادآوری آن موجب شود که در خیال بافی و رجزخوانی جانب‌احتیاط رعایت کند و از سخت کردن اوضاع برای خود دست بکشد.

حیدر علی اف در سال‌های ابتدایی پس از استقلال گفته بود: «این طبیعی است که خواهان گسترش و توسعه روزافزون روابط آذربایجان و ایران باشیم، زیرا ما همسایه و دارای یک دین و مسلک هستیم. کشور ما با هیچ کشور دیگری تا به این حد وابستگی تاریخی ندارد. بر اساس سیاست دولت ما، جمهوری اسلامی ایران همسایه و دوست آذربایجان است، دوستی و برادری، با این کشور دایمی است و ما این را توسعه خواهیم داد».

علی اف پدر که خود زاده نخجوان بود و پیش از ریاست جمهوری، ریاست شورای عالی نخجوان را بر عهده داشت، این‌گونه حال و هوای روزهای زندگی زیر سایه اتحاد جماهیر شوروی را این‌گونه به یاد می‌آورد: «من در نخجوان بدنی آمده‌ام جوانی من در آنجا سپری شده است درست است که در آن زمان راه‌ها بسته بود، اما باز هم برای ما تبریز، تبریز، تبریز! انگاری اگر دست خود را دراز کنی به تبریز خواهی رسید، اما آن سیم‌های خاردار با ما این اجازه را نمی‌دادند».

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، بین ارمنستان و آذربایجان بر سر منطقه قره باغ، جنگ در گرفت و ارتباط زمینی نخجوان با آذربایجان قطع شد و مردم نخجوان مدت‌ها با مضایق و مشکلات ناشی از محاصره این شهر بود، دست و پنجه نرم می‌کردند. حیدر علی اف درباره آن دوران می‌گوید: «من در آن سال‌ها از سال ۱۹۹۰ تا سال ۱۹۹۳ در نخجوان زندگی می‌کردم فقط نخجوانی‌ها می‌دانند که نخجوان تا چه اندازه در وضعیت سختی به سر می‌برد ممکن است در اینجا افراد کمی از این مسئله مطلع باشند. زیرا در آن زمان از باکو و یا از جایی دیگر کسانی به نخجوان رفت و آمد نداشتند. ما در آنجا همانند کسانی که در جزیره‌ای تعزید شده‌باشند و در وضعیت بسیار سختی زندگی می‌کردیم. از یک طرف جنگ با ارمنستان ادامه داشت، در مرزهای ارمنستان-آذربایجان تبادل آتش وجود داشت و لازم بود که از بروز جنگ جلوگیری کرد از طرفی هم ادامه زندگی برای مردم لازم بود. من هیچگاه فراموش نخواهم کرد که آن زمان ایران به ما بسیار کمک کرد».

البته در زمان رئیس‌جمهور سابق آذربایجان هم شیطنت‌هایی از سوی دولت و مطبوعات این کشور صورت می‌گرفت، اما دست کم حیدر علی اف، شاید کمی هم مزورانه، تلاش می‌کرد تا آن را موضع افراد و نه موضع رسمی دولت باکو بداند و نسبت به پیامدهای آن هشدار دهد.

اما شاید جالبترین بخش روابط ایران و جمهوری آذربایجان به زمانی بازگردد که علی اف پدر از علی اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت ایران، خواسته بود که تهران کنترل سرزمین‌های شمال ارس را به عهده بگیرد.

هاشمی که آبان ۱۳۷۲ به باکو سفر کرده بود، در خاطرات ۵ آبان می‌نویسد: برای مذاکرات خصوصی به مقر ریاست جمهوری رفتیم. ساختمان مجللی است. دکتر ولایتی و آقای حسن اف هم بودند و سفیرمان مترجم بود. به محض نشستن، تلفن زنگ زد و صحبت کرد و معلوم شد که مربوط به جنگ است؛ آقای علی اف گفت خبر می‌دهند ارس طرف منطقه زنگلان، زیر آتش انبوه ارامنه است و مردم برای فرار به ایران از رود ارس عبور می‌کنند و تلفات می‌دهند.

عاجزانه استمداد کرد. احتمال می‌دادیم که مقداری هم جوسازی و مقدمه‌چینی برای مطلب اصلی مذاکرات خصوصی است، ولی خالی از حقیقت هم نیست. نقشه آوردند و توضیح دادند. معلوم شد که اگر زنگلان سقوط کند، از مرز ارمنستان تا نزدیک پارس آباد، ارامنه به مرز ما در شمال ارس می‌چسبند.

پیشنهاد مشخص با اصرار این است که ما در جنگ به نفع آن‌ها شرکت کنیم. صریحاً می‌گویند ما همه آذربایجان را در اختیار شما می‌گذاریم و آماده ایم جمهوری اسلامی در آذربایجان تشکیل شود و بدون کمک ایران، نمی‌توانیم دفاع کنیم و امکان پیشرفت ارامنه تا باکو هم وجود دارد. نقشه ارمنستان بزرگ را که گویا ارامنه در سال ۱۹۸۰ منتشر کرده‌اند، نشان دادند که در آنجا از دریای سیاه تا دریای خزر و از جنوب تا ارومیه و از غرب، خاک ترکیه تا سوریه را شامل شده است. گفتیم این تصمیم بسیار بزرگی است که آثار فراوان منطقه‌ای و جهانی دارد و باید عواقب آن در هر جهت بررسی شود و باید در تهران بررسی کنیم و جواب بدهیم، ولی کار فوری این است که تلاش کنیم فعلاً آتش بس برقرار شود و شما باید مقاومت کنید که زنگلان از دست نرود؛

این اظهارات علی اف باز هم تکرار می‌شود، به طوری که هاشمی در یادداشت‌های ۷ آبان این‌گونه به آن می‌پردازد: یکی از حرف‌های مهم و تکراری اش این بود که ایران از این فرصت جنگ با ارامنه استفاده کند و حضور خودش را در آذربایجان بالا ببرد و گاهی تعبیر می‌کرد که اینجا از آن ایران بوده و حالا هم بیا باید دفاع کنید و اداره کنید. در نخجوان هم که بود، شبیه این حرف‌ها را می‌زد و تحلیل می‌کرد که اگر شما آذربایجان را تحت قدرت خود بگیرید، حاکمیت روسیه در کل قفقاز متزلزل می‌شود.

گاهی می‌گفت ایران و آذربایجان، با هم می‌توانیم روسیه را تا روی سنگ مرز اصلی اش عقب برانیم؛ چون داغستان و تاتارستان و چچن اینگوش و اوستیا، همه از حاکمیت روس‌ها ناراضی‌اند؛ البته، چون به خاطر استیصال در جنگ و حمایت روسیه از ارامنه به این مواضع افتاده‌اند، نمی‌توانیم اطمینان کنیم، به خصوص که براساس اظهارات آقای نیازف، این‌ها در مشترک‌المنافع و بحث [رژیم حقوقی] دریای خزر با خواسته‌های روس‌ها هماهنگ هستند.

این پیشنهاد حیدر علی اف از طرف ایران با تردید دنبال می‌شد و در نهایت هم مورد تأیید مقامات ارشد جمهوری اسلامی قرار نمی‌گیرد. رئیس‌جمهور وقت ایران سه دلیل را برای این موضوع ذکر می‌کند:

اول پیشنهاد آقای حیدر علی اف، رئیس‌جمهور آذربایجان، مبنی بر اداره این کشور توسط ایران، اقدامی سیاسی و در جهت درگیرکردن ایران در جنگ با ارمنستان بوده است که با رویکرد جمهوری

اسلامی در سیاست خارجی مبنی بر احترام به مرز های بین المللی و مخالفت با کشورگشایی مغایرت داشته است.

ثانیا در صداقت آقای علی اف در این پیشنهاد تردید جدی وجود داشته است، به ویژه آنکه آذربایجان در سایر موضوعات نظیر تقسیم دریای خزر هماهنگ با روسیه و علیه ایران عمل می کرده است. ثالثا، حتی در صورت جدی بودن پیشنهاد نیز با توجه به شرایط بین المللی و نفوذ قدرت هایی نظیر روسیه، ترکیه و آمریکا، حضور مستقیم جمهوری اسلامی در جمهوری آذربایجان بسیار مشکل و پرهزینه برآورد می شد.

بر این اساس آیت الله هاشمی رفسنجانی ضمن مشورت با مسئولان همراه، سیاست اصولی پرهیز از دخالت در جنگ را به جمهوری آذربایجان اعلام می کند و ضمن برقراری آتش بس، پس از بازگشت به تهران، مباحث در شورای امنیت ملی طرح و تصمیم بر عدم دخالت عملی ایران در جنگ تأیید می شود و یک روز بعد نیز در مذاکره آیت الله هاشمی رفسنجانی با رهبر انقلاب، موضوع به استحضار ایشان رسانده می شود.